نیمهٔ پنهان (۱۲)

۳۲۵۲

دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان

روایتی از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

وقت‌کشی به نفع کودتاگران

*** دکتر مصدق علی‌رغم درخواست یارانش مبنی بر اعلام رادیویی آغاز کودتا و استمداد از مردم کشور از این کار خودداری نمود.**

از سوی دیگر مقارن ساعت ۱۰ صبح جمعیت کثیری از چاقوکشان و اوباشان که به چماق، سنگ و طپانچه مسلح بودند از جنوب به راه افتادند. آنها در میدان سپه به جمعیت دیگری که از شمال شهر می‌آمد پیوسته و متفقا به طرف مرکز شهر حرکت کردند و در منطقه بالای لاله‌زار، «تئاتر سعدی» را که تحت حمایت مالی حزب توده بود به آتش کشیدند جمعیت کثیری به گروه اوباشان پیوستند. آنان یکصدا فریاد می‌زدند «شاه پیروز است» به‌طوری‌که تظاهرکنندگان مملو از مردان و زنان و کودکانی بود که از طبقات مختلف مردم بودند و به‌طور خودجوش برای حمایت از شاه بپاخواسته بودند و حتی دکتر ویلبر مشاور مخفی سیا معتقد است اگر فشارهای خارجی برداشته می‌شد جمعیت بیشتری از مردم به میدان می‌آمدند.[۹۱]

*** حزب توده که در روزهای قبل مکرر اعلامیه‌های آماده‌باش و اعلام خطر صادر می‌کرد و مردم را به مقاومت در برابر کودتا فرامی‌خواند، در این روز تحرکی از خود نشان نداد.**

شعبان جعفری معروف به شعبان بی‌مخ، یکی از سرکردگان دسته‌های اراذل و اوباش درحال سازماندهی تظاهرات به نفع شاه

از سوی دیگر سرتیپ دفتری دستور داده بود که افسران و سربازان شهربانی متعرض تظاهرکنندگان نشوند و حتی گفته می‌شود چند کامیون از فرمانداری نظامی جمعیت تظاهرکننده را همراهی می‌کرد. حال آنکه روز قبل فرمانداری نظامی طی اعلامیه‌ای ممنوعیت برپایی تظاهرات را اعلام کرده بود.

در این زمان رئیس ستاد ارتش یک ستون ضربت از پادگان عشرت‌آباد به فرماندهی سرتیپ کیانی معاون ستاد را مأمور سرکوب آشوبگران کرد. هنگامی‌که گروه ضربت وارد شهر شد، سرتیپ دفتری به همراه چند تن از افسران بازنشسته شده خود را به ستون ضربت رسانیده و با سخنانی از قبیل: «ما همه همقطار و برادریم، همه شاهپرست هستیم و شاه فرمانده کل قواست» و مصافحه و معانقه افراد مانع ادامه حرکت ستون شدند. گروهی از تظاهرکنندگان نیز به طرفداری از شاه شعارهایی سردادند و همین امر موجب تضعیف روحی ستون شد سرتیپ کیانی با مشاهده اوضاع نامساعد، ستون را رها کرده و خود برای ارائه گزارش به ستاد ارتش رفت و بدینسان یک گردان پیاده و یک گروهان‌تانک در اختیار کودتاگران قرار گرفت.[۹۲]

اراذل و اوباش با سرکردگی‌طیب حاج رضایی [۹۳] حسین رمضان یخی و شعبان جعفری (بی‌مخ) در نقاط مختلف شهر به آشوب و بلوا دامن می‌زدند و با حمله و حریق مراکز دولتی یا طرفدار دولت را ویران می‌کردند.

از سوی دیگر گروهی از فواحش به سرکردگی «ملکه اعتضادی» و «زری آجودان قزی» به خدمت کودتا درآمدند. در این گیرودار با وجود آنکه اخبار آشوب‌ها به سرعت در شهر منتشر می‌شد و مراکز دولتی و شخص دکتر مصدق از آنها مطلع می‌شدند با این حال رادیو هیچ‌اشاره به بلواهای سطح شهر نداشت و به مباحثی مانند قیمت پنبه می‌پرداخت. گو اینکه دکتر مصدق علی‌رغم درخواست یارانش مبنی بر اعلام رادیویی آغاز کودتا و استمداد از مردم کشور از این کار خودداری نمود.[۹۴]

ساعت ۱۰/۳۰ سرتیپ ریاحی به دکتر مصدق اعلام کرد که دیگر بر ارتش کنترل ندارد و از او خواست کس دیگری را به جایش معرفی کند.

ولی دکتر مصدق به او گفت که محکم در پست خود بماند. حوالی ظهر به شهرداری تهران حمله شد و سربازان بدون آنکه اقدامی بکنند نظاره‌گر کودتاگران بودند. ساعت یک بعدازظهر اداره مرکزی تلگراف و تلفن به‌اشغال کودتاگران درآمد.

تا این زمان (اوایل بعدازظهر) بیشتر اهداف مهم در مرکز شهر یعنی دفاتر مطبوعاتی و تبلیغاتی به تصرف کودتاگران درآمده و امکان برقراری ارتباط آنها با شهرستانها جهت ترغیب آنان به شورش فراهم شده بود. از ساعت ۱۱/۳۰ تا ۱ بعدازظهر سه نوبت وزارت کشور مورد حمله آشوبگران قرار گرفت ولی هر بار با تدبیر ستوان دوم «حجت»، مدافع وزارتخانه خطر برطرف شد. وزیر کشور نیز به دکتر مصدق گوشزد کرد که از رادیو محافظت شود چون اگراشغال شود در تمام کشور بی‌نظمی می‌شود ولی دکتر مصدق اهمیتی برای این توصیه قائل نشد چون مدتی بعد در ساعات آغازین بعدازظهر خیل جمعیت در اتوبوس‌ها و کامیون‌ها به همراه افسران ارتش و پلیس به طرف رادیو یورش بردند و پس از یک نبرد مختصر و مغلوب شدن نیروهای مدافع رادیو در مقابل برتری قاطع مهاجمین، در ساعت ۲/۱۲ بعدازظهر رادیو به‌اشغال کودتاگران درآمد و در ساعت ۲/۲۰ اولین خبر دولت کودتا مبنی بر فرمان نخست‌وزیر سرلشکر زاهدی از آن قرائت شد.[۹۵]

و بدین سان کودتاگران در کمال ناباوری پیروزی خود را اعلام کردند در ساعت ۴/۳۰ بعدازظهر نیز سرلشکر زاهدی با یک فروندتانک سرلشکر گیلانشاه به رادیو رفت و در ساعت ۵/۲۵ برای مردم سخنرانی کرد.[۹۶]

از دیگر سو حزب توده که در روزهای قبل مکرر اعلامیه‌های آماده‌باش و اعلام خطر صادر می‌کرد مردم را به مقاومت در برابر کودتا فرامی‌خواند، در این روز تحرکی از خود نشان نداد. البته گویا حزب توده از دکتر مصدق تقاضای اسلحه کرد ولی مورد موافقت واقع نشد.[۹۷] همچنین صبح روز ۲۸ مرداد هیئت اجرائیه جلسه داشت.

در همین جلسه خبر آشوب‌ها و اغتشاشات به اعضای هیئت اجرائیه رسید و با وجود آنکه پیشنهاد اعتصابات و تظاهرات از سوی مهندس علی‌علوی مطرح شد معذلک حزب نتوانست در این زمینه تصمیم جدی بگیرد و به مقابله با کودتا برخیزد.

احسان طبری عضو برجسته حزب و حاضر در جلسه ۲۸ مرداد می‌گوید:

«... در ابتدا یکی از اعضاء هیئت اجرائیه در ایران و مهندس علوی پس از اطلاع از تظاهرات اوباش پیشنهاد کرد که همه کارگران را برای دفاع از حکومت مصدق به کوچه‌ها دعوت کنیم. ولی کیانوری توصیه کرد که بدون اطلاع مصدق این عمل صحیح نیست و قرار شد از مصدق بپرسند. کیانوری با تلفن با مصدق تماس گرفت.مصدق اطمینان داد که دولت بر وضع مسلط است و حزب بهتر است کاری نکند با این خبر چهارساعت گران‌بها را تلف کردند.»

۹۱- اسرار کودتا ص ۸۶.

۹۲- نجاتی، سرهنگ غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، صص ۶-۴۴۵.

۹۳- طیب حاج رضایی بعدها توفیق هدایت الهی شامل حالش شده و به نهضت امام خمینی پیوست و از جمله شهدای اولیه نهضت شد.

۹۴- جامی، ن، گذشته چراغ راه آینده است، ص ۶۸۹.

۹۵- آمریکا و تحولات ایران، ص ۲۲۱.

۹۶- سرهنگ تیمور بختیار که قراربود با تیپ خود به تهران بیاید در همدان با تظاهرات توده‌ایها مواجه شده و آنان را سرکوب کرد. ضمناً خبری دال بر حضور سرهنگ بختیار و افرادش در تهران و کمک آنها به روند کودتا در دست نیست.

۹۷- ذبیح، پروفسور سپهر، ایران در دوره دکتر مصدق، ص ۱۷۹.

حاجعلی کیا و سازمان کوک به روایت اسناد ساواک - ۲۱

بانامه‌نگاری یهودیان ایران صورت گرفت

پادرمیانی دولت اسرائیل برای آزادی کیا

باوجود این مسئله، در این موقع که سازمان اطلاعات و امنیت کشور تحت نظر و هدایت آمریکایی‌ها موجودیت یافت، مأموریت سپهبد کیا نیز که اینک با ریاست بر اداره دوم ارتش و داشتن شبکه جمع‌آوری گسترده‌ای به نام سازمان کوک، رقیب آن محسوب می‌شد، به آمریکا فراخوانده شد:

«تیمسار سرلشگر کیا رئیس‌اداره دوم ستاد کل نیز برای مشاهدهٔ سازمان‌های ضدجاسوسی آمریکا به آنجا عزیمت نموده تا پس از کسب اطلاعات لازم در این مورد، بتواند تشکیلات مرتبی برای کوک به وجود آورد.»[۲۲۷]

چند ماه بعد از این مأموریت، رئیس‌رکن ۲ ارتش آمریکا، عازم ایران شد و اطلاعات زیر در اختیار او گذاشته شد:

«سازمان موجوده. مأموریت‌ها و عملیات. جریان امور اداری و بالاخره نام شخصیت‌هایی که در رأس این تشکیلات و مقامات حساس آن انجام وظیفه می‌نمایند... یک قطعه عکس و همچنین بیوگرافی مختصری از افسران ارشدی که عملیات سازمان‌های فوق‌الذکر را رهبری و هدایت می‌نمایند.»[۲۲۸]

و حدود یک سال پس از آن، «پروژه مشترک ایران. آمریکا» به هدف «جمع‌آوری اطلاعات نظامی در مرز شمال ایران (همجوار با شوروی)، خصوصاً در مناطق نظامی قفقاز، ترکستان، و ماوراء قفقاز» با ساختار «ایجاد یک تشکیلات محرمانه مجرب ایرانی، جهت مبادرت به برنامه‌های کسب اطلاعات و جاسوسی با همکاری مستشاران آمریکایی، که نیازهای فنی را برآورده خواهند کرد.» آغاز گردید[۲۲۹] و پس از آن، طرح «جمع‌آوری اخبار و اطلاعات با وسایل و اقدامات مخفیانه از کشورهای خاورمیانه تحت نفوذ شوروی و یا کشورهایی که ممکن است تحت نفوذ شوروی درآیند»[۲۳۰] با ساختار زیر در دستور کار واقع گردید:

«تأسیس یک دایره عملیات متقابل اطلاعاتی از پرسنل ارتش شاهنشاهی ایران و آمریکا، که جمع‌آوری اطلاعات زیرزمینی بر علیه دشمنان مهم ایران و متفقین غربی را هدایت نماید.»[۲۳۱]

و برای اجرایی شدن آن، سرهنگ ۲ پیاده. لوسین. ا. کونین که رئیس‌کمیته مشترک نظامی بود، به سپهبد کیا نوشت:

«اداره ما آمادگی کامل دارد تا حداکثر کوشش خود را در جهت تحقق این بخش به وجود آورد. من شخصاً به چنین بخشی و برنامه دقیقی که لازمه چنین بخشی است، علاقمندم و قادرم قبل از عزیمت خود در سال آتی، یک گروه زبده و متشکل را اعزام کنم.»[۲۳۲]

باوجود این ارتباطات و سرویس‌دهی‌هایی که صورت گرفت، سپهبد کیا نیز به عنوان یکی از کسانی که می‌بایست دستگیر شود، در دولت علی امینی دستگیر و راهی زندان شد. هنوز دو ماهی از دستگیری او سپری نشده بود که گفته شد:

*** پس از گذشت یکی دو سال از ماجرای دستگیری، سپهبد کیا که تاجری حرفه‌ای بود، با آمریکایی‌های مقیم ایران ارتباطاتی تنگاتنگ برقرار نمود.**

«به خاطر کمک‌های سپهبد کیا به یهودیهای ایران و همچنین ارتباط و تماس نزدیک و مداوم وی با عزری، یهودی‌های ایرانی، به وسیله دولت اسرائیل اقدام کرده‌اند تا دولت آمریکا تا آنجا که می‌تواند به سپهبد کیا کمک و مساعدت نماید.»[۲۳۳]

پس از چند ماهی که از زمان دستگیری او سپری شد، انتقادات علنی وی نسبت به سیاست آمریکا در ایران علنی گردید و گفت:

«این آمریکایی‌های مغرور که فقط تاجر و سرمایه‌دارند نه سیاستمدار؛ بدون توجه به افکار عمومی، اراده خویش را تحمیل می‌نمایند و هیچ‌وقت هم از این رویه، نتیجه مثبت نگرفته‌اند؛ کما اینکه اکنون نزد همه ملت‌ها، اینها منفور و مغضوب هستند.»[۲۳۴]

به همین دلیل بود که دستگیری‌های این زمان، به آمریکایی‌ها نسبت داده شد:

«پرونده‌سازی‌های اخیر علیه عده[ای] از رجال سرشناس کشور، به تحریک و راهنمایی اداره جاسوسی آمریکا صورت می‌گیرد تا بدینوسیله از متنفذین معروف به طرفداری از سیاست انگلستان در ایران انتقام بگیرند و با لجن‌مال نمودن آنان، راه را جهت روی کار آمدن ایادی سیاست آمریکا در ایران باز نمایند.»[۲۳۵]

این سبک انتقاد چندان دوامی نداشت و پس از آزادی از زندان، جای خود را با همکاری تجاری و تعریف و تمجید از آمریکایی‌ها عوض کرد تا در جلسه هفتگی منزل او در مورد محسنات «دائرةالمعارفی که توسط دانشگاه‌های آمریکا به زبان انگلیسی چاپ شده»، مذاکره شود.[۲۳۶] و چندی بعد نیز در این جلسه هفتگی، «در مورد مقداری کتاب که از آمریکا آورده بودند»، صبت شد.[۲۳۷]

در همین ایام بود که در مجلس مهمانی منزل او که اعضای سفارت‌خانه‌هایی کشورهای انگلستان، دانمارک، ایتالیا و آمریکا شرکت داشتند، بیشترین شرکت‌کنندگان آمریکایی بودند که با تعداد ۷ ماشین در این مهمانی شرکت کرده بودند.[۲۳۸]

و البته در حالی که در این موقع، دختر وی که در آمریکا تحصیل می‌کرد، با یک وکیل آمریکایی ازدواج کرده بود،[۲۳۹] سپهبد کیا هر از گاهی ضمن انتقاد از سیاست دولت آمریکا درخصوص روی کار آوردن امینی، نسبت به تضعیف سازمان پارتیزانی کوک نیز، انتقادهایی را مطرح می‌نمود:

«در حالی که کشور ما احتیاج زیادی به توپ وتانک ندارد و باید با قوای ملی و پارتیزانی کشور حفظ شود، سازمان نیروی مقاومت ملی پس از مدت کوتاهی در حال رشد و توسعه بود و این سازمان می‌توانست منشأ اثرات مفیدی برای مملکت و مقام سلطنت باشد، ولی متأسفانه مانع پیشرفت آن شدند و سیاست خارجی نگذاشت این سازمان توسعه یابد و دکتر امینی که نوکر آمریکایی‌ها بود، به فشار سیاست آمریکا روی کار آمد و نقشه خطرناکی برای تسلیم کشور به خارجی و حتی علیه سلطنت داشت و چه خیانتی به مردم و مملکت کرد.»[۲۴۰]

«شاهنشاه بر اثر مخالفت شدید سیاست خارجی، ناچار شدند از قدرت و توسعه سازمان مزبور جلوگیری کنند و اکنون دیگر سازمان فوق و سازمان نیروی مقاومت ملی نمی‌تواند مانند سابق عمل کند و منشأ خدمتی برای میهن و شاهنشاه باشد و سازمان مزبور اکنون کاملاً صوری و سطحی است.»[۲۴۱]

پس از گذشت یکی دو سال از ماجرای دستگیری، سپهبد کیا که تاجری حرفه‌ای بود،[۲۴۲] با آمریکایی‌های مقیم ایران ارتباطاتی تنگاتنگ برقرار نمود که درباره آن نوشته شد: «غالباً آمریکایی‌ها نزد او رفت و آمد می‌کنند، که تعدادی از آنها مستأجرین او هستند.» و مسافرت‌های خود به آمریکا را نیز آغاز نمود.[۲۴۳]

ارتباط وی در این موقع با آمریکایی‌ها به میزانی بود که مورد حساسیت قرار گرفت:

«خودش را زیاد به آمریکایی‌ها نزدیک می‌کند و ظاهراً این طور است که با استفاده از موقعیت آنها قصد دخالت در امور سیاسی داشته باشد.»[۲۴۴]

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای بهرام محمدی دارای شناسنامه ۲۵۱۶ به شرح دادخواست به کلاسه یک سیار از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حمید محمدی به شناسنامه ۵۳۸۰۰۰۸۶۰۷ در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۹ اقامتگاه دائمی خود در شهرستان آوج بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- بهرام محمدی فرزند شعبان شماره شناسنامه ۲۵۱۶ متولد ۱۳۴۶ (پدر متوفی) ۲- زهرا افتخاری فرزند اصغر شماره شناسنامه ۲۶۵۸ متولد ۱۳۴۹ (مادر متوفی) ۳- آیسان محمدی فرزند حمید کد ملی ۵۳۸۰۱۹۱۸۶۱ متولد ۱۳۹۴ (دختر متوفی)۴- نیکا محمدی فرزند حمید کد ملی ۵۳۸۰۲۰۲۱۶۰ متولد ۱۳۹۶ (دختر متوفی) ۵- نیلا محمدی فرزند حمید کد ملی ۵۳۸۰۲۰۲۱۷۹ متولد ۱۳۹۶ (دختر متوفی) ۶- الهام زارعی کپته فرزند تیمور کد ملی ۴۳۱۰۵۵۳۵۸۳ متولد ۱۳۷۱ (همسر متوفی) . اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد در غیر این صورت گواهی صادر خواهد شد.

صمدی- قاضی شورای حل اختلاف آوج

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۵۰۱۰۰۰۰۲۳۶ مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۹ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خنداب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن رفیعی فرزندغفار به شماره شناسنامه ۵ در یک باب دامداری به مساحت ۱۲۵۷/۸۳ مترمربع واقع در پلاک ۱ اصلی بخش نه اراک- حوزه ثبت خنداب- موسوم به روستای مانیزان (نامبرده مالک رسمی مشاعی روستای مانیزان می‌باشد) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۶/۲۴ شنبه

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۷/۸ یک‌شنبه

ابوالفضل محتشم‌کیا

رئیس ثبت اسناد و املاک خنداب

اجرائیه

مشخصات محکوم له: معصومه صادق وفا نام پدر: حسین نشانی: استان همدان- شهرستان همدان- خیابان نواب صفوی- ک مهداد- مجتمع ۱۹- واحد ۳

مشخصات محکوم علیهم: ۱- سیاوش محمدی نام پدر: ــ نشانی: مجهول‌المکان ۲- مجتبی دیهم نام پدر: ــ نشانی: مجهول‌المکان

محکوم به: بموجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره و شماره دادنامه مربوطه ۹۷۰۹۹۷۸۱۶۲۲۰۰۵۷۳ محکوم علیه محکوم است به فک و استرداد پلاک خودرو پراید ۱۴۱ به شماره انتظامی ۲۳۵ ب ۴۶ ایران ۱۸ و پرداخت مبلغ یک میلیون و دویست و پنجاه هزار ریال بابت هزینه دادرسی در حق محکوم‌له و ضمنا پرداخت نیم عشر دولتی بر عهده محکوم علیه می‌باشد که توسط اجرای احکام محاسبه و اخذ می‌گردد.

محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه:

۱- ظرف ده روز مفاد آنرا به موقع اجرا گذارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی). ۲- ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد. ۳- مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد. چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه ندانند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حساب‌های مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضائی ارائه نماید والا به درخواست محکوم له بازداشت می‌شود (مواد ۸ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۴- خودداری محکوم علیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حبس تعزیری درجه هفت را در پی دارد. (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق.م.ا و ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۵- انتقال مال به دیگری به هر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد موجب مجازات تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود. (ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۶- چنانچه صورت اموال پس از مهلت سی روز ارائه شود آزادی محکوم‌علیه از زندان منوط به موافقت محکوم له یا تودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم علیه خواهد بود. (تبصره۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴)

م‌الف ۲۵۹۰ قاضی شورای حل اختلاف همدان- غفار شیرزادی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی هیئتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه دو شهرستان اردبیل تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است، لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا بشرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

بخش سه اردبیل:

ردیف **۱**- آقای غلامعلی نوروز هل آباد فرزند اسرافیل بشماره شناسنامه ۱۲۴۹ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۴۱۶۵۱۱۴ در یکباب خانه به مساحت ۹۶/۲۹ متر مربع پلاک ۹۲۳۳ فرعی از ۱ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی سهراب ادیب نیاری.

ردیف **۲**- خانم زهرا رضاپور نیاری فرزند نادعلی بشماره شناسنامه ۲۷ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۷۶۶۹۴۶۵ در یکباب خانه مسکونی به مساحت ۱۳۳/۳۰ متر مربع پلاک ۹۲۴۲ فرعی از ۱ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی اژدر فاضل نیاری.

ردیف **۳**- آقای سیفعلی بهمنش فرزند لطف اله بشماره شناسنامه ۱۳ صادره مشگین‌شهر به شماره ملی ۱۶۷۲۲۴۴۰۳۱ در یکباب خانه به مساحت ۱۰۵/۲۸ متر مربع پلاک ۳۰۹۱۰ فرعی از ۳۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۹۵ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی شهرداری اردبیل.

ردیف **۴**- آقای بهلول روح‌اله زادگان فرزند اسمعیل بشماره شناسنامه ۸۰۰۱۸ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۰۷۹۸۲۸۷ در یکباب خانه به مساحت ۱۷۱/۶۱ متر مربع پلاک ۳۰۹۹۱ فرعی از ۳۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۲۱۰ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل از مالکیت رسمی آتاش امیری جیجین.

ردیف **۵**- آقای داود غضنفری فرزند ارشد بشماره شناسنامه ۴۵۴ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۵۲۹۱۷۸۴ در یکباب خانه به مساحت ۳۸۲/۹۰ متر مربع پلاک ۳۰۹۹۲ فرعی از ۳۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۳/۳۷۴ اصلی واقع در بخش سه اردبیل از مالکیت رسمی ارشد غضنفری.

ردیف **۶**- آقایان یوسف خدمتی فرزند محمد شریف بشماره شناسنامه ۹۳۰ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۳۰۶۳۸۴۹ و منصور خدمتی فرزند محمد شریف بشماره شناسنامه ۱۱۳۱۹۲ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۱۱۲۹۷۴۵ بالسویه در یکباب انباری به مساحت ۶ متر مربع پلاک ۳۰۹۹۳ فرعی از ۳۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۳/۱۵۷ اصلی واقع در بخش سه اردبیل از مالکیت رسمی صابر فلاح پرور.

ردیف **۷**- آقای سید بهروز قادری اللهیارلو فرزند میرغلام بشماره شناسنامه ۱۲۸۵۴ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۷۳۳۷۴۲۰ در یکباب خانه مخروبه به مساحت ۶۱ متر مربع پلاک ۳۱۰۰۸ فرعی از ۳۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۶۴ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی ابراهیم حسینی.

ردیف **۸**- آقای سیف علی کوهی آبی بیگلو فرزند خداداد بشماره شناسنامه ۲۴۱۸ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۲۴۹۸۰۷۸ در یکباب خانه به مساحت ۱۷۸ متر مربع پلاک ۳۱۰۱۲ فرعی از ۳۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۴۹۶۶ فرعی از ۳۳ اصلی و جزء از ۳۴ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی جبار مهاجری ممتاز.

ردیف **۹**- آقای رحیم محمدی فرزند اسکندر بشماره شناسنامه ۱۴۵۰۳۸۷۹۹۳ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۵۰۳۸۷۹۹۳ در یکباب خانه به مساحت ۹۶/۵۰ متر مربع پلاک ۳۱۰۲۵ فرعی از ۳۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۶۵ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی علی غضنفری.

ردیف **۱۰**- آقای رحیمعلی خدائی شمس‌آباد فرزند یداله بشماره شناسنامه ۲۳۶ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۳۹۵۱۹۷۳ در یکباب خانه به مساحت ۴۰۴/۰۶ متر مربع پلاک ۷۶ فرعی از ۳۸ اصلی مفروز و مجزی شده از ۳۸ اصلی واقع در بخش سه اردبیل از مالکیت رسمی یداله خدائی.

ردیف **۱۱**- آقای محسن رحیمی وره نو فرزند سخاوت بشماره شناسنامه ۱۱۴۶۱ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۷۱۸۵۸۳۳ در یکباب خانه به مساحت ۱۹۳/۵۵ متر مربع پلاک ۲۱۸۵۷ فرعی از ۷۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۷۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل از مالکیت رسمی حسین وفادار.

ردیف **۱۲**- آقای کلام‌الله بهروج فرزند علی حیدر بشماره شناسنامه ۱۵۲ صادره مغان به شماره ملی ۱۶۲۰۸۸۹۰۲۱ در یکباب خانه به مساحت ۲۸۸/۸۰ متر مربع پلاک ۲۱۹۵۳ فرعی از ۷۳ اصلی مفروز و مجزی شده از ۷۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل از مالکیت رسمی شرکت تعاون مسکن کارکنان راه و ترابری.

ردیف **۱۳**- آقای یاسر باقری الماس فرزند گنجعلی بشماره شناسنامه ۵۵۳ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۳۲۰۴۲۲۱ در یکباب خانه به مساحت ۷۸۷/۹۸ متر مربع پلاک ۱۱۸ فرعی از ۷۵ اصلی مفروز و مجزی شده از ۷۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی گنجعلی باقری.

ردیف **۱۴**- آقای مهدی فروغی فرزند میخوش بشماره شناسنامه ۵۴۶ صادره تازه گرمی به شماره ملی ۱۶۲۰۸۸۷۱۰۱ در یکباب خانه به مساحت ۱۴۷/۴۰ متر مربع پلاک ۱۴۱۱۷ فرعی از ۸۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۸۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی جواد اسدی ملاباشی.

ردیف **۱۵**- آقای حجت صداقتی باروق فرزند بابا‌کیشی بشماره شناسنامه ۲۲۱۳ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۱۸۱۲۰۵۴ در یکباب خانه به مساحت ۳۴۴/۱۹ متر مربع پلاک ۸۰۴ فرعی از ۱۰۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۰۰ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی محمدتقی اکبریان.

ردیف **۱۶**- آقای علی دشتی کولانکوه فرزند بدیر بشماره شناسنامه ۱۰۱۲۱ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۱۳۱۰۹۲۱ در یکباب خانه به مساحت ۱۲۲/۹۹ متر مربع پلاک ۲۲۲۹ فرعی از ۱۱۴ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۴ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی عباسعلی غنی زاده زارع.

ردیف **۱۷**- آقای علی پیران شندرشامی فرزند حجت اله بشماره شناسنامه ۴۹۷ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۲۱۳۳۶۱۴ در یک باب خانه و مغازه به مساحت ۱۲۰/۵۸ متر مربع پلاک ۵۹۸۴ فرعی از ۱۱۵ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل از مالکیت رسمی عبدالعزیز حسین پور نادری.

ردیف **۱۸**- خانم فاطمه سلیمانی ثمرین فرزند نورمحمد بشماره شناسنامه ۸۴۴۳ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۱۹۳۵۲۳۷ در یکباب خانه به مساحت ۱۱۲/۵۰ متر مربع پلاک ۵۹۸۵ فرعی از ۱۱۵ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی الهقلی شاهی زارع.

ردیف **۱۹**- آقای اسماعیل فرهادی پیرآلقر فرزند صادق بشماره شناسنامه ۱۸۸۲ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۳۳۲۸۶۱۱۲ در یکباب خانه مسکونی به مساحت ۹۰ متر مربع پلاک ۵۹۸۶ فرعی از ۱۱۵ اصلی مفروز و مجزی شده از ۱۱۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی عارف فرازی مجد و فرهاد پورفرضی.

ردیف **۲۰**- آقای یحیی جمالی فرزند ذکریا بشماره شناسنامه ۳۱۳۷ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۲۳۱۴۸۰۵ در یکباب مغازه به مساحت ۱۶/۲۵ متر مربع پلاک ۵۹۸۷ فرعی از ۱۱۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۱۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی عارف فرازی مجد.

ردیف **۲۱**- آقای یحیی جمالی فرزند ذکریا بشماره شناسنامه ۳۱۳۷ صادره اردبیل به شماره ملی ۱۴۶۲۳۱۴۸۰۵ در یکباب خانه به مساحت ۹۰ متر مربع پلاک ۵۹۸۸ فرعی از ۱۱۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۱۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی عارف فرازی مجد.

ردیف **۲۲**- خانم طاهره جهانی علیمرادلو فرزند رشید بشماره شناسنامه ۲۴۰ صادره مغان به شماره ملی ۱۶۲۰۷۲۳۷۵۱ در